

تیمور لنگ

ہارلڈ امبیر ترجمہ علی جواہر کلام

www.ketab.ir

سرشناسه	:	لمب، هرولد، ۱۸۹۲ - ۱۹۶۲م.
عنوان و نام پدیدآور	:	Lamb, Harold
مشخصات نشر	:	تیمور لنگ/ هارولد لمب؛ ترجمه علی جواهرکلام.
مشخصات ظاهری	:	تهران: نیلوفر نقره‌ای، ۱۳۹۶.
شابک	:	۲۷۱ ص.
وضعیت فهرست نویسی	:	9-4 - 978-600-97256
یادداشت	:	فیفا
موضوع	:	عنوان اصلی: Tamerlane, the earth shaker, 1932
موضوع	:	تیمور گورکانی، ۸۰۷-۷۳۶ق.
موضوع	:	مغولان -- تاریخ
موضوع	:	Mongols -- History
موضوع	:	ایران -- تاریخ -- تیموریان، ۷۷۱ - ۹۱۱ق.
شناسه افزوده	:	Iran -- History -- Timurids, 1370 - 1505
رده بندی کتبی	:	جواهرکلام، علی، ۱۲۷۵ - ۱۳۵۵، مترجم
رده بندی دیوید	:	۹۷۵۵/۰۶۶۱
شماره کتابشناسی	:	۵۰۷۸۸۸۱
ملی	:	



انتشارات نیلوفر نقره‌ای
 با همکاری انتشارات سبزان گستر

تیمور لنگ

نویسنده: هارولد لمب

مترجم: علی جواهرکلام

ناظر فنی چاپ: فاطمه سقایی بابایی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۵۶-۹-۴ 978-600-97256-9-4

مرکز پخش: آسمان آبی

تهران خیابان جمهوری خیابان دانشگاه شمالی

تقاطع خیابان لبافی نژاد پلاک ۹۲ طبقه ۱ واحد ۲

تلفن: ۶۶۴۸۳۲۸۳ تلفکس: ۶۶۴۶۵۴۶۳

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۶۳۹۸۵۷۷-۰۹۳۵۴۵۰۵۰۱۲

فهرست

۷	مقدمه مؤلف
۷	سعی و کوشش
۱۲	بخش ۱
۱۲	فصل اول
۱۲	ماوراءالنهر - آ طرف رود جیحون
۱۶	فصل دوم
۱۶	مردان با کلاه خود
۲۲	فصل سوم
۲۲	شاه آفرین (تاج بخش) سالی ساری
۲۸	فصل چهارم
۲۸	بانوی خداوندگار
۳۴	فصل پنجم
۳۴	تیمور دیلمات
۴۱	فصل ششم
۴۱	سرگردان
۴۸	فصل هفتم
۴۸	یک شتر و یک اسب
۵۳	فصل هشتم
۵۳	کنار پل سنگی
۵۷	فصل نهم
۵۷	جنگ باران
۶۲	فصل دهم

۶۲	 دو امیر
۷۱	 فصل یازدهم
۷۱	 روی پشت بام دنیا
۷۷	 فصل دوازدهم
۷۷	 زین الدین سخن می گوید
۸۴	 فصل سیزدهم
۸۴	 کار صوفیان
۹۰	 بخش ۲
۹۰	 فصل چهاردهم
۹۰	 سمرقند
۹۷	 فصل پانزدهم
۹۷	 قزل اردو
۱۰۶	 فصل شانزدهم
۱۰۶	 در جاده های استپ
۱۱۵	 فصل هفدهم
۱۱۵	 در سرزمین سایه ها
۱۲۲	 فصل هیجدهم
۱۲۲	 مسکو
۱۳۱	 فصل نوزدهم
۱۳۱	 ساقیان - هم پیاله ها
۱۴۱	 فصل بیستم
۱۴۱	 قلمرو وسیع
۱۴۹	 فصل بیست و یکم
۱۴۹	 بر پشت زین
۱۵۷	 فصل بیست و دوم
۱۵۷	 سلطان احمد بغدادی

۱۶۴	بخش ۳
۱۶۴	فصل بیست و سوم
۱۶۴	محروسه‌ی سمرقند
۱۷۵	فصل بیست و چهارم
۱۷۵	خانم بزرگ و خانم کوچک
۱۸۱	فصل بیست و پنجم
۱۸۱	مسجد جامع تیمور
۱۸۵	فصل بیست و ششم
۱۸۵	جنگ ده ساله
۱۹۲	فصل بیست و هفتم
۱۹۲	یوحنا‌ی اسقف به اروپا می‌رود
۱۹۸	فصل بیست و هشتم
۱۹۸	آخرین جنگ صلیبی
۲۰۵	فصل بیست و نهم
۲۰۵	تیمور و ایلدرم به هم می‌رسند
۲۱۴	فصل سی ام
۲۱۴	پشت دروازه‌های اروپا
۲۲۲	فصل سی و یکم
۲۲۲	دنایای سفید
۲۲۷	سرانجام
۲۲۷	نتیجه کوشش چه بود؟
۲۳۴	بخش ۴
۲۳۴	یادداشت‌ها
۲۳۴	خردمندان در میدان جنگ
۲۳۵	کمان در مشرق و مغرب

۱۶	 / تیمور لنگ
۲۳۷	 آتش اندازان
۲۳۹	 آنقره
۲۴۲	 دوک ویتولدو تاتار
۲۴۴	 دو خداوند جنگ
۲۴۷	 شاعران
۲۴۹	 مغول
۲۵۰	 تاتار
۲۵۲	 ترک
۲۵۵	 شیخ الجبل
۲۵۷	 شهر قشنگ و زیبای تبریز
۲۵۹	 کلاویجو در تبریز
۲۶۱	 سراپرده امیر
۲۶۲	 گنبد بزرگ
۲۶۳	 از کله آدم منار می ساختند
۲۶۴	 اخلاق و صفات تیمور
۲۶۵	 تیمور و مذهب
۲۶۸	 منابع

مقدمه مؤلف

سعی و کوشش

پانصد و پنجاه^۱ سال پیش مردی کوشید که خود را فرمانروای جهان بسازد. هر اقدامی که کرد موفق شد، ما او را تیمور لنگ می خوانیم.

در آغاز وی -ندان مهم نبود - فقط بر قطعه ای از اراضی و عده ای گله دار آن سرزمین مرد ورز بهمان خیز یعنی آسیای مرکزی فرمانروایی داشت. تیمور مثل اسکندر مقدونی بر پادشاه نبود و مانند چنگیز ریاست قبیله را از پدر ارث نمی برد. اسکندر و چنگیز رده هنگامی که به جهانگیری برخاستند با خود همراهانی داشتند مردم مقدونیه اسکندر و مغول ها با چنگیز همراه بودند. ولی تیمور لنگ عده ای را دور خود جمع کرد.

تیمور سپاهیان نیمی از جهان آن روز را یکی پس از دیگری شکست داد. او شهرها را در هم کوبید و مطابق میل خود از سر نو آباد ساخت کاروان های بازرگانی دو قاره از وسط راه های او می گذشتند، تیمور ثروت -مدیر امپراتوری را گرد آورد و به میل خویش مصرف کرد. بر قله ی کوه های بلند در ظرف یک ماه کاخ ها و عشرت گاه ها بنا کرد. شاید بیش از هر بشر دیگری این مرد عجیب و غریب حیات خویش کوشید تا مجموعه و طرح های غم انگیز را به چنگ خود درآورد و آن را به شکل نیکوتر و دل چسب تر از سر نو قالب بریزد.

او آن روز و امروز به نام تیمور لنگ مشهور بوده و هست. در تواریخ عمومی ما نام وی تیمور لنگ است. گرچه اروپایی های پانصد سال پیش او را تاتاری می خواندند. آن ها به طور مبهم تیمور را فرمانروا و جهانگیری بی رحمی می شناختند

۱- این تاریخ مطابق با تألیف کتاب است ولی اکنون قریب پانصد و هفتاد سال می شود. مترجم

که تا پشت دروازه‌های اروپا رسیده بود و با چادرهای زربافت حرکت می‌کرد. از کله‌ی کشته‌ها منار می‌ساخت و شب‌ها در موقع حرکت روی تپه‌ها آتش افروزی می‌نمود تا راهنمای سپاهیان وی باشد.

اما آسیا این مرد را بهتر می‌شناخت خوشبختی‌ها و بدبختی‌های وی را یکایک می‌دانست دشمنان آسیایی وی شهرت داده بودند که او یک گرگ خاکستری رنگ بزرگ زمین خواری می‌باشد. اما دوستان و پیروانش می‌گفتند تیمور شیر ژیان و جهانگشای عالی مقام است.

میلتون^۱ شاعر برتر انگلیسی پس از شنیدن و مطالعه کردن افسانه‌های مربوط به تیمور ظامرا رنگ‌های زننده درهم آمیخته‌ای به دست آورده که با آن رنگ‌ها شیطان بزرگ خویش را نقاشی و رنگین ساخته است.

تاریخ نویسان دریای سیلکوت کردند، اما شاعران از آن داستان‌ها ساختند. و در هر حال طبقه بندی شرح حال تیمور لنگ کار آسانی به نظر نمی‌رسد. تیمور عضو یک سلسله و خاندانی بوده. اما خودش سلسله‌ای تأسیس کرده است، او مثل آتیلا که یکی از وحشیان بود، مردم را به باد یغما نداد، ولی خودش در صحراهای بی آب و علف شهر رم تازه‌ای ساخت. نمود. گرچه برای خود تاج و تختی فراهم آورد اما قسمت عمده‌ی عمر را پشت رین اسب گذراند. وقتی که او دست به کار ساختمان شد از نمونه‌ی معماری گذشتگان تقلید نکرد. او طرح تازه‌ای مطابق نظر خویش ریخت یعنی از مشاهده‌ی صخره‌ها و تپه‌های کوه‌ها و گنبد‌های دمشق (پیش از آن که آن شهر را آتش بزند) کلیاتی در نظر گرفت و از روی آن نمونه‌ها بناهایی احداث کرد. همان طرح‌های عالی تیمور نقشه‌ای برای معماران و مهندسین و طراحان جهت ساختمان تاج محل گشت. اتفاقاً عمارت تاج محل هم به دست یکی از نوادگان وی برپا شد.

تاریخ اروپا در ایام تیمور به خوبی معین است. ما می‌دانیم که در آن ایام شهر ونیس^۲ توسط شورای ده نفری اداره می‌شد، و رینزی، موسولینی آن ایام گشت و آن

۱- جان میلتون J. Milton از شعرای انقلابی قرن هفدهم انگلستان مهمترین اثر او «جنات مفقوده است».

مترجم.

۲- ونیس در قرن چهارده میلادی مهمترین جمهوری اروپا بوده و تا سال ۱۸۱۴ مستقل بود و آن موقع ضمیمه‌ی

جریان یک نسل پس از مرگ دانتِه واقع گشت. پتراک در آن اوقات به تحریر اشتغال داشت و فرانسه جنگ‌های صد سال دوره بحرانی خود را طی می‌کرد و در عین حال بورگوندی‌ها و اورلئانیست‌ها با جلادان پاریس زد و خورد داشتند و شارل ششم با حال نیمه‌دیوانه به‌طور بی‌طرفی این منظره‌ها را تماشا می‌کرد.

تاریخ آن روز اروپا چگونگی وقوع این حوادث را ذکر نموده است. اروپای آن روز جوان نوررسیده‌ای بود که آهسته آهسته از میان تاریکی‌های قرون وسطی در حال برخاستن بود. هنوز آتش رستاخیز (رنسانس) برافروخته و درخشنده نگشته بود.

اروپا سینه‌های تجملات تمدن شرق بود و از آن نظر به شرق می‌نگریست. کتان و ادویه و بریشم و ظ. وف چینی و فولاد شرق را می‌خواست، آن روزها نقره و طلا و جواهرات از ه شرق اروپا می‌آمد و به واسطه‌ی همین کالاها شهر ونیس و جنوا، ثروتمند و مهم گشته بودند. قرطبه و اشبیلیه اسپانی به دست اعراب آباد گشته بود و کاخ‌های غرناطه را آنها بنا کرده بودند، قسطنطنیه هم وضعی نیمه شرقی داشت.

امروز در محلی که راه آهن ماوراء البحر اتصال می‌یابد. تخته‌سنگی برپا داشته‌اند که بر یک طرف آن کلمه آسیا و بر طرف دیگر آن اروپا دیده می‌شود. در زمان تیمور این علامت می‌بایستی پنجاه درجه به طول غربی دورتر از محل فعلی قرار گیرد، به عبارت دیگر بایستی در اطراف ونیس باشد. اروپای مرکزی (خاص) باید قسمتی از استان‌های آن به شمار بیاید. استان‌هایی که بارون‌ها و سرف‌ها (بندگان) در آن زیست می‌کردند و شهرها از کلیه‌ها و دهات که یک تشکیل یافته بودند و چنان که مورخ می‌نویسد زندگانی عبارت از آه و ناله و سکو و زاری بود. ما نمایشگاه اجتماعی آن روز اروپا را به خوبی می‌دانیم اما مردی را که برای فرمانروایی بر جهان، در آن موقع قیام کرد، به خوبی نمی‌شناسیم. اروپاییان آن روز جلال و عظمت تیمور را ماورای قوای زمینی و نیروی وی را شیطانی می‌دانستند. همین که تیمور به آستانه‌ی ممالک آنان رسید پادشاهان اروپا نامه‌ها و سفراء نزد

وی فرستاده او را تیمور لان بزرگ، خداوند تاتاری خواندند. هنری چهارم انگلیس که در ماورای مرز خود با سرداران پروس می جنگید، فاتح ناشناس را برای فتوحاتش تبریک گفت، شارل ششم پادشاه فرانسه او را چنین مدح کرد:

«فاتح بزرگ و شاهزاده‌ی معظم تیمور» و مردم هوشیار جنوب پرچم وی را بیرون قسطنطنیه برافراشتند و مانوئل امپراطور یونان از وی درخواست کمک کرد. لرد دون هنری که با لطاف خداوند پادشاه قسطنطیه بود یکی از سرداران نامی خود روی دو گرنزالیس کلاویجو» را به نام سفیر خدمت تیمور روانه کرد. و کلاویجو، تا سمرقند دنبال فاتح بزرگ رفته و پس از بازگشت راجع به شخصیت تیمور چنین گزارش داد. «تیمور لنگ خداوند بزرگ و مقتدر است. تمام ممالک مغول و هند سرزمین آفتاب را نیز مسخر ساخته است. زمین آفتاب مملکت عظیم و مهمی می باشد. تیمور سرزمین خوارزم را نیز مغلوب و مسخر کرده است و ایران و مدینه را هم گشوده است؛ امپراتور تبریز و شهر سلطان را تصرف کرده است؛ اراضی ابریشم و زمین های دروازه را فتح کرده است؛ ارمنستان و مصر و رزوم و کردستان را تحت تصرف درآورده است؛ فرمانروای هند را در جنگ مغلوب ساخته و قسمتی از ممالک وی را فتح کرده است شهر دمشق را ویران نموده و شهرهای حلب و بابل و بغداد را زیر پا گذارده است. و پس از گشودن ممالک بسیار و مغلوب ساختن فرمانروایان بی شمار و احراز پیروزی های فراوان سر وقت با یزید ترک رفته است (وی یکی از فرمانروایان نامی جهان می باشد) و او را در جنگ شکست داده و به اسیری گرفته است.

کلاویجو که در دربار سمرقند حضور داشته و بسیاری از فرمانروایان جهان و سفرای مصر و چین را در خدمت تیمور دیده، از شخصیت تیمور آن طور گزارش داده است. او نیز که عنوان سفارت فرنگیان را داشته با گرمی و احترام پذیرفته شده زیرا به قول مشهور «کوچکترین ماهی هم در دریا محل و مقامی دارد».

تیمور در نمایشگاه سلاطین با عظمت اروپا مقامی نداشته فقط در صفحات تاریخ اروپا به طور اختصار آثاری از هول و هراس ایام سلطنت وی دیده می شود. اما

برای مردم آسیا هنوز هم تیمور مرد بزرگی است. اکنون پس از پنج قرن بر ما مسلم گشته که تیمور آخرین فاتح بزرگ جهان به شمار می آید. ناپلئون و بیسمارک نسبت به تیمور در گوشه‌ای از زوایای تاریخ خزیده‌اند. که اولی با ناکامی درگذشت و دومی فقط در یک کشور به فتوحات سیاسی نایل آمد.

در صورتی که تیمور لنگ امپراتوری بزرگی ایجاد نمود و در هر لشکرکشی موفق بود. او برای مغلوب ساختن آخرین فرمانروای مخالف خویش حرکت کرد و در بین راه مرد و اگر نمی‌مرد به قدر کافی نیرو داشت که او را از پا درآورد.

برای این که بدانیم آن مرد چه در سرداشت باید شرح زندگی او را بخوانیم. برای درک آن مجموعه باید تواریخ اروپا را کنار بگذاریم و تمدن جدید را با اختلافات و نظریات ناشی از آن نادیده انگاریم و باید تیمور لنگ را از نظر اشخاصی مطالعه کنیم که دوش به دوش وی سوار و پیاده می شدند. ما نیز مانند کلاویجو باید پرده‌ی هول و هراس تیمور را بر داریم و از میان ستون‌ها و مناره‌های جمجمه بگذریم و از قسطنطنیه و دریا عبور نماییم و به آسیا وارد شویم - باید از شاهراه سرزمین آفتاب گذشته به جاده‌ی سمرقند را آوریم. در این موقع که ما عازم آن سفر شده‌ایم سال ۱۳۳۵ میلادی است. محل ما رودخانه‌ی سی می باشد.